

Analysis and conceptualization of "mirror" applications

Tasnim Naqvi¹

Bachelor's student of Persian Language and Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Supervisor: Naima Sadat Safainia²

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Mirror has always played a key and practical role in human life throughout the history of mankind. Looking at the mirror and using it can have different and unpredictable meanings for each person or group of people. In this research, which was carried out by descriptive-analytical method and based on library data, an attempt has been made to present various interpretations and different applications of this apparently simple but quite complex tool. While examining the literal meaning of mirror in various dictionaries, its thought-provoking reflection in Persian literature, Islamic mysticism, astronomy, architecture and Islamic art, divination and prophecy have also been clearly stated. The findings of the research showed that the mirror has various and different interpretations in different cultures and in different sciences, but the commonality of all these interpretations and what emerged from the extract of this research; It is that the meaning of all these interpretations was positive and all sciences and cultures have been looked at in the mirror from the point of view of purity, clarity, transparency and truthfulness. It is hoped that this effort for those interested in this field can take an effective step in achieving success and clarifying the ambiguities

Keywords: Mirror, fortune telling and prophecy, Persian literature, Islamic mysticism

¹ Email: tasneem.nakvi@gmail.com

² Email: <mailto:ns.safaei@gmail.com>

تحلیل و مفهوم شناسی کاربردهای «آینه»

تسنیم نقوی^۱

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

استاد ناظر: نعیمه سادات صفایی نیا^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

چکیده

آینه، همواره نقش کلیدی و کاربردی در زندگی انسان‌ها در طول تاریخ بشریت داشته است. نگاه کردن به آینه و استفاده از آن می‌تواند تعابیر متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی را برای هر فرد یا گروهی از افراد به طور مشخص داشته باشد. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای انجام گرفته، تلاش شده است که تعبیرهای گوناگون و کاربردهای متفاوت از این ابزار به ظاهر ساده اما کاملاً پیچیده ارائه شود. ضمن بررسی معنای لغوی آینه در فرهنگ‌نامه‌های مختلف، انعکاس تأمل بر انگیز آن را در ادبیات فارسی، عرفان اسلامی، نجوم، معماری و هنر اسلامی، تفأل و پیشگویی نیز به روشنی بیان شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که آینه در فرهنگ‌های مختلف و در علوم مختلف تعبیرهای گوناگون و متفاوتی دارد اما وجه اشتراک تمامی این تعابیر و آنچه که از عصاره این پژوهش برآمد؛ این است که بار معنایی تمامی این تعابیر مثبت بود و تمامی علوم و فرهنگ‌ها از وجه پاکی، زلالی، شفافیت و راستگویی به آینه نگاه شده است. امید است که این تلاش برای علاقه‌مندان به این حوزه بتواند گامی مؤثر در موفقیت و شفاف‌تر کردن ابهامات بر دارد.

¹ Email: tasneem.nakvi@gmail.com

² Email: mailto:ns.safaei@gmail.com

کلیدواژه‌ها: آینه، تفأل و پیشگویی، ادبیات فارسی، عرفان اسلامی

۱. مقدمه

اساطیر، میراث به جامانده از باورهای انسان نخستین‌اند که در طول زمان ادامه یافته و در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر به یاد آورده می‌شوند. آنها در خود، نمادهایی را جای داده‌اند که در دوره‌های مختلف به اشکال گوناگون در آثار ادبی و هنری انعکاس یافته‌اند. استفاده از این نمادها برای ترسیم جهان انتزاعی بزرگتر، اساطیر را که اغلب در مورد حوادث ماورایی خلقت سخن می‌گویند با عرفان که عرصه نادیده‌ها را به تصویر می‌کشد، پیوند می‌دهد. آینه، نیز یکی از این نمادها است که به شیوه‌های مختلف در متون اسطوره‌ای و عرفانی جلوه گر شده است.

آینه (mirror) یا آینه، از نظر واژه‌شناسی از «ادونک» (advenak) آمده که به معنی شکل و دیدار و یکی از نیروهای تشکیل‌دهنده انسان است. (جهان فروزی، ۱۳۸۶: ۶۳) بنابر اساطیر ایرانی، نخستین روز نوروز بود که انسان کیهانی بر اثر آمیختن فرّوهر مینوی با نیروهای دیگر شکل گرفت. از این‌رو آینه به عنوان نمادی از آن، در بالای سفره نوروزی نهاده می‌شود. آینه دیگری هم هست که تخم مرغ روی آن می‌گذارند. «مفاهیم نمادین و مقدس آینه در فرهنگ‌ها و ملت‌های دیگر هم دیده می‌شوند. در خاور دور آینه را دارای خواص جادویی می‌دانستند که می‌توانست ارواح خبیثه را هم در این جهان و هم در جهان دیگر دور کند و به‌همین دلیل آن را کنار مردگان می‌گذاشتند. از سده‌های سوم و چهارم میلادی، در آینه به تدریج نقش مایه تائویی و بودایی و گل‌ها و جانورانی را نشان می‌دادند که نماد خوشبختی، سعادت در ازدواج و مانند آن بودند. آینه یکی از سه شیء مقدس مربوط به نشانه‌ها و

علامه خاص امپراطوری ژاپن بود. در هنر عیسوی آئینه سالم و بی نقص مظهر مریم عذرا و بکرزایی او بود.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۱)

در بندهشن (دادگی، ۱۳۹۰) که از مهم ترین متون دینی زرتشتیان و تفاسیر پهلوی اوستاست، از آینه به عنوان یکی از اجزای پنج گانه بدن آدمی نام برده شده است. آینه بخشی از وجود انسان است که بعد از مرگ به خورشید بازمی گردد و در رستاخیز، خورشید آنها را دوباره به آدمیان می دهد تا یکدیگر را باز شناسند. در مرصاد نیز که از امّهات آثار منشور فارسی و از تفاسیر عرفان اسلامی است؛ آینه کاربردی شاعرانه یافته و تا حدودی به مفهوم «انسان کامل» نزدیک شده است. درون آدمیان، آینه کاری دست توانای پروردگار است. این آینه ها سرانجام بعد از مرگ در کنار هم قرار می گیرند تا آینه تمام قدی را بسازند که تجلی گر جلوه خداوند است.

۱-۱. هدف پژوهش

آینه، بعد از ورود به زندگی بشری همواره نقش بسیار تأثیرگذاری در زندگی انسان ها ایفا کرده است. در این تحقیق هدف نگارندگان این است که نقش آینه را به طور دقیق تری از نگاه علوم مختلف و میان فرهنگ های گوناگون و انعکاس آن در ادبیات فارسی، عرفان اسلامی، علم نجوم، تفأل و پیشگویی، در میان تمدن های کهن و همچنین معماری و هنر اسلامی نشان دهند و نقش این پدیده که از دل طبیعت کشف شده است را با وضوحی همچون خود آینه به تصویر بکشانند.

۱-۲. روش پژوهش

روش در پژوهش حاضر، همانند بسیاری از علوم انسانی، به صورت کتابخانه ای و با استفاده از ابزار یادداشت برداری یا فیش برداری صورت گرفته است. به گونه ای که پژوهشگران با مطالعه دقیق منابع مهم و مربوط به موضوع، اقدام به جمع آوری اطلاعات نموده اند. پس از تهیه فیش های متعدد سپس به

شماره‌گذاری و مرتب کردن آنها پرداخته و در نهایت پس از تدوین نهایی مطالب آنها را به نگارش در آورده‌اند.

۲. بحث و بررسی

با توجه به آنچه که تا به اینجا در مورد آینه و نقش آن گفته شد، در این بخش به بازتاب آینه در علوم مختلف پرداخته می‌شود.

۲-۱. آینه در ادبیات فارسی

برخی شاعران بیشتر از حد معمول از واژه و مفهوم آینه استفاده کرده‌اند. مثلاً در شعر فرخی و سعدی بسامد این واژه بسیار بالا است.

موتیف آینه در شعر عبدالقادر بیدل بالاترین بسامد را دارد اگر دکتر شفيعی‌کدکنی او را شاعر آینه‌ها خوانده است. به همین دلیل است و اگر بخواهیم مهمترین پیام عرفانی و فلسفی شعر او را نیز دریابیم چیزی جز تصویر حیرت نخواهد بود:

بیدل! سخت نیست جز انشای تحیر
کو آینه تا صفحه دیوان تو باشد
(شفيعی‌کدکنی،

۱۳۶۸: ۳۲۳)

درین صحرا همه گر از غباری چشم می‌پوشم
عرق آینه‌ها بر جبهه می‌بندد مروت را

(بیدل‌دهلوی)

به طور ضمنی عرق به آینه‌هایی تشبیه شده که بر پیشانی مروت ظاهر می‌شود. آینه بر جبهه بستن: رسم خوانین ولایت است که در حالت تقطیع (آراستن خویش را به جامه و غیره) آینه بر پیشانی می‌بندند:

کدام آینه رو احرام این میخانه می‌بندد؟ که می آینه بر پیشانی پیمانه می‌بندد

(فرهنگ اشعار صائب، ۸۹/۱)

شوخ چشمی نیست کار ما به رنگ آینه چون حیا پیراهنی از عیب می‌پوشیم ما

(غزل ۶ بیدل دهلوی)

آینه از آن جهت که مانند چشم بازی است و به همه کس و همه چیز، چشم می‌دوزد، نماد گستاخی و چشم چرانی نیز به شمار می‌آید. ما مانند آینه، گستاخ و هرزه نگاه نیستیم.

تا به کی نازی به حسن عاریت ما و من آینه‌داری بیش نیست

(غزل ۱۰ بیدل)

ما و من: تکبر / آینه‌دار: کسی که آینه در مقابل کسی نگاه دارد.

آینه‌دار، تنها غلامی است که زمینه انعکاس حسن و زیبایی را در آینه فراهم می‌کند. بنابراین، نه از حسن، بهره دارد و نه آینه‌داری او همیشگی است. پس آینه‌دار، همراه موقت حسن و زیبایی است.

دل در ادبیات فارسی به گهر و آینه تشبیه می‌شود:

گهر موج آورد آینه جوهر دل بی آرزو کم آفریدند

(غزل ۱۹)

دلی یافت نمی‌شود که نقش آرزو بر آن نباشد. همانند مروارید و آئینه که موج و جوهرِ سطح آن‌ها را، نقشی از آرزویشان می‌توان دانست. آئینه مشبه به دل است.

بر در دل ز ادب سجده کن آواز مده
صاحب خانه آینه ماهیچ کس است

(غزل ۹ بیدل)

درد دل ما ذوق تماشا نماند
آه کسی آینه زین خانه برد

(غزل ۲۲ بیدل)

آه: موجب تی‌گی و کدر شدن آینه می‌شود. آه کسی آینه را از خانه دلمان ربود و کدر کرد.

آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت نیست چون آینه‌ام روی ز آه‌ن چه کنم

(دیوان حافظ، ۴۶۸)

خوب وزشت آنچه در این بزم درد طرف
همچو آینه در آغوش گرفتن دارد

(غزل ۲۹ پیدل دهلوی)

هر چیزی که در دنیا بتواند عیب انسان را فاش سازد، باید همانند آینه در آغوش گرفت و استقبال کرد.

آینه در مقابل زشتی و زیبایی‌ها، یکسان عمل می‌کند و با اشتیاق، تمامی اشیاء را در خود منعکس می‌کند:

تابہ کی در پدہ باشد نیک و بد ساغر کحاست
دل زدعوی شد سیاہ، آیینہ محشر کحاست

(صائے، ۹۰/۱)

نظامی در اسکندرنامه (خمسه: ۹۱۸) ساختن آئینه را به اسکندر نسبت داده و گفته است:

گذارنده نقش دیبای روم کند نقش دیباچه از مشک بوم
که چون شد سکندر جهان را کلید ز شمشیرش آئینه آمد پدید
عروس جهان را که شد جلوه ساز بدان روشن آئینه آمد نیاز
حافظ هم به همین مضمون اشاره دارد:

هیچ رویی نشود آینه حجله بخت مگر آن روی که مالند در آن سم سمند
(حافظ: ۱۲۳)

در شاهنامه (۲۶/۷) نیز از انتساب آئینه به اسکندر سخن رفته که با توجه به استعمال مضامین قریب به آن، با «آئینه اسکندری» نیز بی مناسبت نمی نماید.

صائب هم قریب به همین مضمون را سروده است:

تا آب زندگی دو قدم راه بیش نیست آئینه پیش راه سکندر گرفته است
(صائب: ۲۶۱)

رابطه آئینه و اسکندر، از یک سو و اسکندر و آب حیات و خضر، از سوی دیگر و پیوستگی آب حیات و جام جم در شعر فارسی، گاهی مجموعاً فضایی کاملاً عرفانی پدید آورده است:

یاد ایامی که بودم در خُمستان فرنگ جام او روشن تر از آئینه اسکندر است
(اقبال: ۲۶۷)

عکس یک جامش دوگیتی می‌نماید کز صفاش آب خضر و آینه جام سکندر ساختند

(خاقانی: ۱۱۳)

در اشعار فروغ فرخزاد آینه، جلوه‌ای نمادین به خود می‌گیرد. از آن جمله می‌توان، به شعر زیر اشاره کرد که آینه در آن نشان‌دهنده نماد و روان شخص است.

هر دم از آینه می‌پرسم ملول چیستم دیگر، به چشمت چیستم

لیک در آینه می‌بینم که، وای سایه‌ای هم ز آنچه بودم، نیستم

(خانزاده، ۱۳۹۳: ۱۱۱)

نمادهای همسان، در شاهنامه و غزلیات شمس: آینه: جام، جام جم، جام کیخسرو. (قبادی، ۱۳۸۸:

۱۵۷)

۲-۲. آینه در عرفان اسلامی

در عرفان اسلامی، آینه با شفافیت و صداقت و صفای خویش کاملاً مورد توجه بوده است و انسان را از جهت این‌که مظهر ذات و صفات و اسماء حق است آینه می‌گویند:

روشنان آینه دل چو مصفا بینند روی دلدار در آن آینه پیدا بینند

(دیوان عراقی: ۵۲)

مولوی، به طریق عرفا، هم عوالم وجود را آینه ذات حق می‌داند و هم حق را آینه مشاهده مخلوقات. (تاج‌دینی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹) عشق نیز حکم آینه را دارد که در آن حالات و درجات استعداد هر عاشقی، مثل صورت محسوس در آینه حسی نمودار می‌شوند. (شرح مثنوی شریف: ۱/۳۸)

می‌توان گفت که عاشق، آیینۀ قدرت و تصرف و جلوه جمال معشوق است. مولانا در آغاز مثنوی (۴/۱) لزوم زدودن زنگار را از چهره این آئینه یادآوری می‌کند:

عشق خواهد کاین سخن بیرون بود آینه غمّاز نبود چون بود
آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست ز آنکه زنگار از رخس ممتاز نیست

دل شکوه‌مند عاشق، آئینه‌ای است که نور جمال حق در آن متجلی می‌شود:

وقت طالب را پریشان کم کند آینه دل را چو جام جم کند
(مثنوی، کلاله خاور: ۳۷۸)

در شعر مولانا گاهی از ضمیر مرد کامل و یار خدایی و مراد برحق، به «آئینه کلی» تعبیر شده است:

آینه کلی تو را دیدم ابد دیدم اندر چشم تو من نقش خود
(مثنوی: ۲۰۵/۲)

آدمی وقتی ضمیری مصفا داشت می‌تواند آئینه راستین دیگران باشد:

چونکه مؤمن آینه مؤمن بود روی او ز آلودگی ایمن بود
یار آینه است جان را در حزن در رخ آینه‌ای جان دم مزن
(مثنوی)

(۲۴۸/۲)

مضمون زیبای بیت اول از حدیثی معروف اقتباس شده است که: المؤمن مرآة المؤمن (جامع

صغیر: ۱۸۳/۲) و نیز المؤمن مرآة اخیه المؤمن. (التصفیه: ۳۹۵)

سایر مضامین:

آب‌صفت هر چه پلیدی بشوی آینه‌سان هر چه ندیدی بگویی

(نظامی، لغتنامه: آب)

دم مزن با آینه تا با تو او همدم بود گر تو با او دم زنی او روی خود پنهان کند

(شمس: ۱۱/۲)

دل که آینه شاهی است غباری دارد از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی

(حافظ: ۳۴۹)

چهره‌ات بال سمندر می‌کند آینه را خنده‌ات دامن گوهر می‌کند آینه را

(صائب: ۶۵)

نامش از سکه چو بر آینه چرخ افتاد حرف حرفش همه در چهره اجرام گرفت

(انوری: ۹۶/۱)

۳. رابطه آینه و نجوم

«آینه ریشه واژه (speculation) باریک‌اندیشی و تأمل است: در اصل این واژه به معنی رصد آسمان و حرکت ستارگان به کمک یک آینه بوده است. sidus (ستاره) نیز یک واژه consideration (ملاحظه و نگرش) است، که از نظر ریشه‌شناسی به معنی نگرستن به مجموع کواکب است. این دو اسم معنا که به مفهوم عملی فکری هستند، از رصد کواکب در آینه ریشه گرفته‌اند. از اینجا معلوم می‌شود که آینه،

به عنوان یک سطح بازتابنده، پشتوانه نمادگرایی پر باری در زمینه شناخت و آگاهی است. آینه بازتاب

چیست؟ حقیقت، صمیمیت، درون قلب و آگاهی.» (شوالیه، گربان، ۱۳۸۴: ۳۲۳)

«آینه، به عنوان نماد قمری و مؤنث، در چین، علامت شاه بانو است، چرا که آینه آتش خورشید را می گیرد و باز می تابد. از سوی دیگر، آینه علامت هماهنگی در وصلت زناشویی است. آینه شکسته، علامت جدایی است (نیمه شکسته آینه، سرانجام به شکل زاغی درمی آید و به شوهر از بی وفایی زن خبر می دهد).» (همان: ۳۲۷)

۴. آینه ابزاری در پیشگویی و تفأل

به دست آینه چو درفشنده مهر بدان آینه در، همی دید چهر

هر آن دردمندی که بودی تباه چو کردی بدان آینه در، نگاه

چو چهرش ندیدی شدی زین سرای ور ایدون که دیدی شدی باز جای

(اسدی طوسی، ۱۳۸۲: ۳۹۵)

«آینه به دلیل ویژگی تصویر نمایی آن بارها و در روایات مختلف ابزار جهان بینی و پیشگویی دانسته شده است.» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۴۱۷) برای نمونه آینه ای که با نگرستن در آن احوال مردمان دور از خان و مان معلوم می شود از شگفتی های شهر بابل بابل است که ساختن آن به هوشنگ نسبت داده شده. «تحفه الغرایب: ۱۶؛ نخبه الدهر فی عجایب البرّ و البحر: ۵۶-۵۵) آینه اسکندر و پادشاه یونان در سلامان و ابسال جهان نماست و برخی از فرمانروایان باستانی مصر آینه هایی دارند که رویدادهای سرزمین های گوناگون و حوادث آینده را نشان می دهد.» (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۲۱۶-۲۱۴؛ مسعودی، ۱۳۷۰: ۱۵۵ و ۲۰۹) به استناد فرهنگ فولکور جهان، آینه پیشگو و رازگشا از مضامین مکرر داستان های آسیایی و اروپایی است. (jones, 1995: 305)

«در آسیای میانه، شمن‌ها تفأل با آینه را، از طریق حرکت دادن آینه در مقابل خورشید یا ماه، انجام می‌دهند. زیرا به گمان آن‌ها، خورشید یا ماه، خود دو آینه هستند و آنچه را که بر روی زمین می‌گذرد، منعکس می‌کنند. به علاوه، لباس‌های شمنی اغلب با آینه تزئین می‌شود، چرا که به عقیده آنان آینه اعمال آدمیان را منعکس می‌کند. یا از شمن در طول سفرش، در مقابل نیش‌های ارواح خبیث محافظت می‌کند. آینه در وجوه مختلف خود، مضمونی ممتاز در فلسفه و عرفان اسلامی می‌یابد، که ملهم از فلسفه نوافلاطونی است. در عرفان اسلامی، آینه نمادِ نمادگرایی‌ها است.» (همان: ۳۳۰)

۵. آینه در تمدن‌های کهن

۵-۱. مصر

مدارک تاریخی مربوط به تمدن مصر به ۳۱۰۰ پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. به نظر می‌رسد که آینه در مصر یک دارایی ارزشمند و پر استفاده بوده و کارکرد نمادین داشته‌ست. پیش از ساخته شدن آینه‌های فلزی و شیشه‌ای، نخستین آینه چهره نما، آب بود. اما قطعاً نگرستن در این آینه کار چندان ساده‌ای نیست. زیرا فرد برای دیدن چهره خود مجبور است از بالا به سطح آب نگاه کند. ضمن اینکه هرگز نمی‌تواند اندام و پوشاک خود را به شکل تمام قد ببیند. دشواری اصلی آب افقی بودن آن است. مصریان در عصر ماقبل شاهی توانستند آب را از سطح افقی به عمودی بچرخانند! آنان لوحه‌های سنگی را بر دیوار نصب می‌کردند و بر آن آب می‌پاشیدند. این لوحه‌ها تابناکی و شفافیتی همچون شیشه داشتند.

مصریان در صیقل دادن مس و طلا و نقره به وسیله شن و ماسه‌های آمیخته با ذرات بلور مهارت بسیاری داشتند. مس و گه گاه طلا، فلزاتی بودند که برای ساخت آینه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اما آینه نقره‌ای بهترین و مناسب‌ترین آینه برای چهره آرایشی است. زیرا کمترین دخالت را در رنگ تصاویر انعکاس یافته می‌کند. آرایش صورت در مصر ابداع شد. این کار در آغاز به منظور جلوگیری از آفتاب

سوختگی به ویژه در حاشیه چشم‌ها انجام می‌گرفت. سایه پشت پلک پیش و بیش از آنکه جنبه زیبایی داشته باشد یک ضرورت بود.

قدیمی‌ترین آینه‌های فلزی کشف شده در مصر باستان آینه‌هایی است که از گورهای نخستین خاندان‌های مصری (۲۹۲۰-۲۷۷۰ ق.م) به دست آمده است. این آینه‌های مسین، گلابی شکل و دسته دار هستند.

۲-۵. چین

چینی‌ها فلز کاری و صنعتگری را با اسطوره و افسانه در آمیختند. گرچه این یک اصل جهان شمول است که علم اساساً ریشه در افسانه دارد، اما در تمدن چینی این دو هرگز کاملاً از یکدیگر تفکیک نشدند. چینی‌ها جوهر بصری آینه را پیش از یونانی‌ها درک کرده بودند. در اسناد فنی به جا مانده از قرن چهارم ق.م - مو چینگ - وصف انواع آینه‌های محدب و مقعر آمده است. در این منابع اشاره شده که: اگر یک فرد روی یک آینه مسطح بایستد و از بالا به خود نگاه کند درخواهد یافت که تصویرش وارونه است و در ادامه: هر آینه مسطحی تنها یک تصویر دارد. انعکاس شکل، جهت، رنگ، سیاهی/ سفیدی، فاصله؛ دوری/ نزدیکی، حالت؛ آویخته/ ایستاده تصاویر جملگی به موقعیت سوژه و منبع تابش نور بستگی دارد. اگر دو آینه را به صورت کج (با زاویه باز یا بسته) در کنار هم قرار دهیم دو آینه تصویر یکدیگر را منعکس می‌کنند.

چینی‌ها از سده چهارم پیش از میلاد تجارب و تدابیر حساب شده‌ای را به کار می‌گرفتند که آنان را به طور کلی از یونانی‌ها متمایز می‌کرد. تاریخ آینه‌های چینی و نمادپردازی‌های مربوط به آن در کتاب «آینه و انسان» اثر «بنیامین گلدبرگ» به سال ۱۹۸۵ به طور دقیق آمده است. این آینه‌ها جلوه‌ای از معبد بودند و هدایایی گرانبها به شمار می‌رفتند. به همین خاطر بود که در سال ۶۷۳ پیش از میلاد امپراتور چین به ملکه حلقه بزرگی از آینه هدیه داد. آینه در زندگی افرادی که به طبقات بالای اجتماع تعلق

داشتند اهمیت بیشتری داشت؛ زیرا آنان اغلب از کلاه‌ها و سرپوش‌هایی استفاده می‌کردند که نیاز به توجه مداوم داشت.

آینه به عنوان سمبول وفاداری ریشه در اندیشه فلاسفه باستان دارد. آنان معتقد بودند که آینه نقاب چهره فرد را در رویارویی با جهان بیرون، می‌درد. بنابراین نگریستن در آینه آدمی را به درجه‌ای از خودآگاهی و اشراف به خویش می‌رساند و باعث پالایش او می‌شود. فلاسفه چینی انعکاس‌های آینه را با مراقبه ذهنی مقایسه می‌کنند و آن را در کنار مفهوم غور و تعمق قرار می‌دهند. «چوانگ تزو» (۳۵۰ ق.م) آینه را با آرامش و قرار ذهنی مطابقت می‌دهد. ذهن فلاسفه نیز همچون آینه نه می‌افزاید و نه می‌کاهد؛ زیبایی، زشتی، خشم و نفرت را به همان صورت که هست بازتاب می‌دهد و از آنچه منعکس می‌کند اثری نمی‌پذیرد.

آینه در تفکر چینی دارای «جوهر حیاتی آفرینش» بود و در معابد به آن حرمت می‌گذاشتند.

۵-۳. ژاپن

قدیمی‌ترین آینه‌های ژاپنی تحت تأثیر طرح‌های چینی ساخته شدند. این آینه‌ها برای انتقال مفهوم احترام و حق شناسی نسبت به طبیعت در آئین شینتو به کار می‌رفتند. آینه‌های فلزی در ژاپن تا قرن نوزدهم یعنی هنگامی که ژاپن مرزهایش را به روی جهان گشود و از انزوا دست کشید، ساخته می‌شد. پس از آن ژاپن هم مانند سایر کشورها آینه‌های شیشه‌ای را جایگزین آینه‌های فلزی کرد.

۵-۴. یونان

آینه در یونان دایره‌ای فلزی و باریک بود که غالباً از برنز آمیخته با قلع ساخته می‌شد. این آینه‌ها اندکی محدب بودند یک سمت آنها صیقلی بود و بر یک سمت دیگر آن طرح‌هایی حکاکی می‌شد. به نظر می‌رسد که آینه‌های قدیمی یونانی برگرفته از نمونه‌های مصری است. دسته این آینه‌ها غالباً تندیس

الهه‌ها و به ویژه آفرودیت (الهه عشق و زیبایی) بود که بر یک پایه استوار می‌شد. نمونه دیگری از آینه‌های یونانی آینه‌ای بود که از دو دایره متصل به یکدیگر تشکیل شده بود. یکی از این دایره‌ها که پوشش آن دیگری به شمار می‌رفت، با طرح‌های برجسته نامحسوسی تزئین شده بود. گنومیدیز (ساقی خدایان) پسر بچه‌ای که عقاب او را می‌دزدد، در حدود ۴۰۰ ق.م نمونه خوبی از این نوع آینه‌های مصور است.

۶. معنای متفاوت آینه (آئینه، آئینه) در فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های مختلف

«آئینه، حقیقت، خودشناسی، خرد، فکر، جان. (خدا آئینه‌ای است که در آن خود را می‌بینی چرا که تو آئینه‌اویی) ابن عربی.

(عالم آئینه خداست... انسان آئینه عالم است) (نسفی، الانسان الکامل به نقل از کوپر، ۱۳۸۶: ۱۱)

«آینه، آئینه، آئینه: ۱- (فیزیک) نوعی سطح صیقلی که نور رسیده از هر جسم را چنان باز می‌تاباند که تصویری از آن جسم تشکیل شود. ۲- (گفتگو) (مجاز) هر چیز بسیار صاف و براق: سینی که نیست آینه است! ۳- (مجاز) (تصوف) دل عارف که حقایق در آن منعکس می‌شود. ۴- جایی که در آن چیزی ظاهر می‌شود. ۵- (بازی) در قاپ بازی، حالت قرار گرفتن قاپ به وضعی که نتوان حکم کرد که کدامیک از نقش‌های چهارگانه، در بالا قرار گرفته است. ۶- (موسیقی ایرانی) نوعی طبل یا زنگ که از پشت فیل معمولاً در جنگ به صدا درمی‌آورده‌اند:

بانگ آینه و سنج و خرنا به گوش داراب رسید (طرسوسی ۴۲/۱)» (انوری، ۱۳۸۱: ۱۹۷)

گر نه ردیف شعر مرا آمدی به کار مانا که خود نساختی اسکندر آینه

(خاقانی/۴۰۰)

سلیمان را نگین بود و تورادین سکندر داشت آئینه تو آئین

(خسرو و شیرین، به نقل از شمیسا، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۶)

«آینه {آینه} /oina/: ۱-شیشه، آبگینه. ۲-شیشه شفاف، که به پشتش سیماب مالیده شده،

صورت چیزها را منعکس می‌کند.» (شکوری، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۷)

«آینه، آینه: مرآت. آئینه: آبگینه.

آینه عزیز شد بر ما چون نور گرفت و روشنائی

(ناصر خسرو)

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چرا همی کند نوحه گری

یعنی که نمودند در آینه صبح کز عمر شبی گذشت و توبی خبری

(منسوب به خیام)

تأمل در آینه دل کنی صفائی بتدریج حاصل کنی

(سعدی، به نقل از دهخدا، ۱۳۷۸: ۲۶۸)

«آینه: صفحه‌ای شیشه‌ای با پوششی از جیوه در پشت آن که نور را منعکس می‌کند.» (گازرانی،

۱۳۸۸: ۳۰)

«آینه، آینه: جام شراب. آینه مؤمن. در حدیث آمده: مؤمن آینه مؤمن است.» (فرهنگ فارسی،

۱۳۸۴: ۵۹)

«آینه - قطعه شیشه که در پشت آن ملغمه قلع و جیوه مالیده باشند، نور را منعکس می کند و انسان چهره خود را در آن می بیند.» (عمید، ۱۳۷۴: ۸۲)

«آینه، صفحه ای شفاف از فلز پرداخت شده یا شیشه که وسیله بازتاب نور است و نگاره اشیاء مقابل خود را می نمایاند. هزاران سال پیش از شناخت فلز و ساختن آینه فلزی، آدمی از آب، همچون آینه استفاده می کرد. افسانه کهن یونانی ناریسیس این سخن را تأیید می کند. (گیمال، ۶۰۵)» (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸: ۲۶۸-۲۶۹)

«آینه را در قدیم معمولاً از آهن و روی می ساختند. در مرصادالعباد نیز چنین آمده است: در ابتدا آهن از معدن بیرون می آورند و آن را به لطایف الحیل پرورش گوناگونی می دهند در آب و آتش و به دست چندین استاد گذر می کند تا آینه می شود.» (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۲)

«آینه، هر نوع سطح صیقلی بازتابنده نور. غالباً شیشه ای است که پشت آن را با آلیاژی از جیوه پوشش داده اند.» (دانشنامه دانش گستر، ۱۳۸۹: ۵۹۵)

«آینه، آئینه، شیشه جیوه دار.» (آموزگار، ۱۳۷۴: ۶۲)

«آینه ۱- آئینه، مرآت ۲- هر چیز با سطح صاف و صیقلی ۳- نورافکن» (شادمهر، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

«آینه و آئینه - جسمی باشد شفاف از شیشه که صورت چیزها در آن نمایان گردد و گاهی از فولاد نیز سازند.» (برهان قاطع، ۱۳۵۷: ۷۵-۷۴)

«آینه: سطحی است که بیشتر نوری را که به آن می تابد منعکس می کند. آینه معمولاً قطعه شیشه ای است که پشت آن از لایه ای که نور از آن نمی گذرد پوشیده شده است. هرچه آینه صیقلی تر باشد، بهتر می تواند نور را منعکس کند.» (فرهنگ نامه، ۱۳۷۴: ۲۲۵)

۷. آینه در هنر و معماری اسلامی

«آب» و «آینه» در فرهنگ ایرانیان همواره به شکل دو نماد پاکی و روشنائی، راست‌گویی و صفا مورد توجه بوده و احتمالاً به کارگیری آینه در تزئینات معماری برگرفته از همین فرهنگ است. آینه‌کاری در بنا، از قزوین آغاز و با انتقال پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان در سال ۱۰۰۷ ه.ق به این شهر و سپس به شهرهای دیگر ایران گسترش یافت.» (صارمی و احمدی، ۱۳۹۳: ۴۵)

۸. نتیجه گیری

آینه، بعد از ورود به زندگی بشری همواره نقش بسیار تأثیرگذاری در زندگی انسان‌ها ایفا کرده است. به طور کلی و با نگاهی مختصر به آنچه که در این پژوهش در باب آن سخن رفت؛ در اینجا بر خود لازم می‌دانم که چند نکته را به عنوان جمع بندی مطرح کنم؛

آینه (mirror) یا آینه، از نظر واژه‌شناسی به معنی شکل و دیدار و یکی از نیروهای تشکیل دهنده انسان است. آینه در ایران، خاور دور، امپراطوری ژاپن، آیین بودایی و تائویی و همچنین در آیین مسیحیت به نماد پاکی، قداست و مظهري از مریم مقدس را دارد.

برخی شاعران بیشتر از حد معمول از واژه و مفهوم آینه استفاده کرده‌اند. (مثلاً در شعر فرخی و سعدی بسامد این واژه بسیار بالا است) موتیف آینه در شعر عبدالقادر بیدل بالاترین بسامد را دارد به همین سبب دکتر شفيعی کدکنی او را شاعر آینه‌ها خوانده است. نظامی در اسکندرنامه و فردوسی در شاهنامه آینه را به اسکندر نسبت دادند. در ادبیات فارسی آینه به دل تشبیه شده است و همواره نگاه با آینه با زلالی و پاکی و صداقت همراه بوده است.

در عرفان اسلامی، آینه با شفافیت و صداقت و صفای خویش کاملاً مورد توجه بوده است و انسان را از جهت این‌که مظهر ذات و صفات و اسماء حق است آینه می‌گویند. عشق نیز حکم آینه را دارد که عاشق، آینه قدرت و تصرف و جلوه جمال معشوق است.

آینه ریشه واژه (speculation) باریک‌اندیشی و تأمل است: در اصل این واژه به معنی رصد آسمان و حرکت ستارگان به کمک یک آینه بوده است.

آینه به دلیل ویژگی تصویرنمایی آن بارها و در روایات مختلف ابزار جهان‌بینی و پیشگویی دانسته شده است. به استناد فرهنگ فولکور جهان، آینه پیشگو و رازگشا از مضامین مکرر داستان‌های آسیایی و اروپایی است.

«آب» و «آینه» در فرهنگ ایرانیان همواره به شکل دو نماد پاکی و روشنایی، راست‌گویی و صفا مورد توجه بوده و احتمالاً به کارگیری آینه در تزئینات معماری برگرفته از همین فرهنگ است.

پس همانگونه بیان شد؛ آینه در فرهنگ‌های مختلف و در علوم مختلف تعبیرهای گوناگون و متفاوتی دارد اما وجه اشتراک تمامی این تعبیر و آنچه که از عصاره این پژوهش برمی‌آید؛ این است که بار معنایی تمامی این تعبیر مثبت بود و تمامی علوم و فرهنگ‌ها از وجه پاکی، زلالی، شفافیت و راستگویی به آینه نگاه شده است.

منابع

۱. آموزگار، حبیب‌الله (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی دانش، چاپ دوم، تهران: نشر علوم نوین.
۲. آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸)، متون منظوم پهلوانی، تهران: سمت.
۳. اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۸۲)، گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: دنیای کتاب.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد مصور، تهران: سخن.
۵. برهان قاطع (۱۳۵۷)، محمدحسین بن خلف تبریزی، به اهتمام دکتر محمد معین، چاپ سوم، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۶. پورنامداریان، محمدتقی (۱۳۸۹)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.
۷. تاج‌دینی، علی (۱۳۸۳)، فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا، تهران: سروش.
۸. خاقانی، بدیل (۱۳۷۵) دیوان، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
۹. دادگی، فرنخ (۱۳۹۰)، بندهش، گزارش مهرداد بهار، چاپ چهارم، تهران: توس.
۱۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۸)، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۲، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. دانشنامه دانش‌گستر (۱۳۸۹)، جلد ۱، زیرنظر علی رامین و محمدعلی سعادت، تهران: موسسه علمی فرهنگی دانش‌گستر.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۱)، دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، چاپ دهم، تهران: صفی‌علی‌شاه.
۱۴. خانزاده، سکینه (۱۳۹۳)، «سمبولیسم در اشعار فروغ فرخزاد»، پایان‌نامه درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات گیلان.
۱۵. شادمهر، مهدی (۱۳۸۸)، فرهنگ دو جلدی علمی، فناوری و بازرگانی، تهران: نشر الکتريکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
۱۶. شرح مثنوی شریف (۱۳۶۸)، بدیع الزمان فروزانفر، تهران: دانشگاه تهران.

۱۷. شریفی، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نشر نو و معین.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، شاعر آینه‌ها، چاپ دوم، تهران: آگه.
۱۹. شمیس، سیروس (۱۳۸۴)، فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوسی.
۲۰. شکوری، محمدجان (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی تاجیکی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۱. شوالیه، ژان و آلن گریان (۱۳۸۴)، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، چاپ دوم، جلد ۱، تهران: جیحون.
۲۲. صارمی، حمیدرضا و احمدی، فاطمه (۱۳۹۳)، «حکمت آب و آینه در هنر و معماری اسلامی»، همایش ملی عمران، تبریز: کانون ملی انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
۲۴. فرخی سیستانی (۱۳۳۵)، دیوان، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، تهران: بوستان کتاب.
۲۵. فرهنگ فارسی یک جلدی (۱۳۸۴)، چاپ دوم، تهران: راه رشد.
۲۶. فرهنگ اشعار صائب (۱۳۷۳)، احمد گلچین معانی، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر.
۲۷. قبادی، حسینعلی (۱۳۸۸)، آیین آینه (سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. کوپر، جین. سی (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
۲۹. گازرانی، منیژه (۱۳۸۸)، فرهنگ نوجوان سخن، چاپ دوم، جلد ۱، تهران: سخن.
۳۰. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌حسین (۱۳۷۰)، اخبارالزمان، ترجمه کریم زمانی، تهران: اطلاعات.
۳۱. مرتضوی، منوچهر (۱۳۸۰)، مکتب حافظ، چاپ چهارم، تبریز: ستوده.
۳۲. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.

33. Jones, Alison (1995), Larousse Dictionary of World Folklore, Larousse Plc, Britian.